

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

فرهنگ تلمیحات و اشارات پنجاه قصیده ناصر خسرو

نگارش:

حمیده دانشمندی

استاد راهنما:

دکتر پدram میرزایی

استاد مشاور:

دکتر علی محمد پشت دار

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

تقدیم و سپاس

پیشکش به اسوه های صبور زندگی، پدر و مادر عزیزم، که دعای خیرشان همواره بدرقه راهم بوده است.

با ادای احترام و سپاس نسبت به همسر گرامیم که در تمام مراحل زندگی حامی و پشتیبانم بوده است، از درگاه باری تعالی توفیق و سعادت برای ایشان را آرزو دارم.

تقدیم به تمام کسانی که از وجود خود نردبانی ساختند برای رسیدن من به اوج قله های موفقیت.

تقدیر و تشکر

امروز در انتهای مسیری قرار گرفته ایم که روزی آغازش کرده بودیم و در یک چنین پایانی حمد و سپاس گویم خداوند بلند مرتبه را که به انسان - اشرف مخلوقات - قدرت تعقل بخشید تا به واسطه ی آن بر تنگناهای زندگی فائق آمده و بر فراز قله های رفیع سعادت قرار گیرد، و همچنین سپاس فراوان نثار عزیزانی باد که مرا برای رسیدن به چنین پایانی یاری رساندند.

عزیزانی چون اساتید گرانقدر: جناب آقای دکتر پدram میرزائی (استاد راهنما) و جناب دکتر علی محمد پشت دار (استاد مشاور) به پاس راهنمایی های بی کرانشان که هموار کننده راهم بودند.

از بنفشه عزیزم که از هیچ امری جهت مساعدت به من دریغ نکرد.

فهرست مطالب

فصل اوّل

کلیات.....الف

بیان مسأله

فرضیات

اهداف تحقیق

پیشینه تحقیق.....ب

جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق

جامعه آماری

روش تحقیق

اعتراف و اعتذار.....ج

مقدمه.....1

زندگی نامه.....2

تعریف اصطلاحات.....6

فصل دوّم

داده های تحقیق.....9

فصل سوم

389..... نتیجه گیری

391..... نمودار تلمیحات

392..... منابع و مأخذ

فصل

اول

کلیات

بیان مسأله

شعر در برگیرنده ی احساس است برای بیان احساس معمولاً از زبان فشرده با ویژگی های خاص استفاده می شود. البته ضروری است که مطلب در ضمن فشرده گی، از گستردگی معنایی و زیبایی لازم برخوردار باشد.

ناصرخسرو سخت در پی هدف نزدیک شدن به زندگی فردی و اجتماعی انسان از انقباس قدسی بهره برده و بر دانش، فکر و رفتار انسان اثرگذار بوده است و ما نیز در پی بررسی و توضیح مسایل و مباحث عرفانی، اجتماعی و تربیتی نهفته در قصیده های ناصرخسرو هستیم و در نهایت این پژوهش در پی این است که به پرسش های محوری زیر پاسخ دهد:

- 1- تلمیحات عرفانی در اشعار ناصرخسرو بیشتر از سایر موارد است؟
- 2- آیا اسلوب قصاید ناصر خسرو برای بیان مفاهیم اسلامی بر پایه ی قرآن استوار است؟
- 3- آیا میان کاربرد اشارات و تلمیحات در شیوه ی بیان ناصرخسرو و فهم قصاید، رابطه وجود دارد؟
- 4- آیا ناصرخسرو در به کاربردن تلمیحات اشتباه نیز دارد؟

فرضیات

- 1- اسلوب قصاید ناصر خسرو برای بیان مفاهیم اسلامی بر پایه ی قرآن استوار است.
- 2- تلمیحات ناصر خسرو باید بیشتر از دسته ی عرفانی - مذهبی باشد.
- 3- میان کاربرد اشارات و تلمیحات در شیوه ی بیان ناصر خسرو و فهم قصاید، رابطه وجود دارد.
- 4- ناصر خسرو در کاربرد تلمیحات گاهی دچار لغزش و اشتباه شده است.

اهداف تحقیق

- شناخت شیوه ی قصیده پردازی توسط ناصر خسرو
- تسهیل در تفهیم اشعاری که در آن تلمیح به کار رفته است
- معرفی کردن تلمیحاتی که ناصر خسرو به اشتباه به کار برده است

پیشینه (سابقه و ضرورت انجام تحقیق)

استخراج تلمیح به صورت فرهنگ سابقه ای چندان طولانی ندارد؛ اما با گسترش روزافزون دانش آموختگان ادب فارسی و پیشرفت علوم، استادان طراز اول به تدوین تلمیحات به کار رفته در آثار پرداخته اند. از اهم این موارد می توان به کتب زیر اشاره کرد:

- 1- فرهنگ تلمیحات دکتر شمیسا 2- فرهنگ اشارات و تلمیحات دکتر شمیسا 3- اسرارالتوحید دکتر شفیعی کدکنی 4- مختار نامه دکتر شفیعی کدکنی 5- فرهنگ تلمیحات شعر معاصر دکتر محمد حسین محمدی 6- دیوان عثمان مختاری به تصحیح جلال الدین همایی

جنبه نوآوری و جدید بودن طرح (تحقیق)

روش های کاربرد اشارات و تلمیحات در قصاید ناصر خسرو و تبیین اهداف فرهنگی او برای دستیابی به کاربرد عملی واژه های اخلاقی و تربیتی فردی، اجتماعی و ارتباط آن با آموزه های دینی که برای نسل جوان کمتر ملموس است. لذا انتخاب این موضوع و روش کاربردی آن به عنوان یک اقدام فرهنگی نو و بدیع مطرح است. و تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه ی تلمیحات قصاید ناصر خسرو انجام نگرفته است.

جامعه آماری

قصاید 150 الی 200 دیوان ناصر خسرو بر اساس نسخه ی تصحیح شده توسط دکتر مجتبی مینوی و دکتر مهدی محقق

روش تحقیق

روش: تحلیل محتوا

ابزار: فیش برداری

در این پژوهش با مراجعه به منابع و مآخذ مکتوب و با استفاده از روش فیش برداری، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد و سپس طبقه بندی موضوعی مطالب مد نظر قرار گرفت و در نهایت مطالب به ترتیب الفبایی تنظیم و ثبت گردید.

اعتراف و اعتذار

این پژوهش در حدّ بضاعت سوادى پژوهشگر انجام گرفته است و خود کاملاً آگاهم که پژوهش حاضر - با وجود تلاش و دقت بسیار - از لغزش خالی نیست. از طرفی شاید پاره ای از توضیحات نیاز به تغییر، افزایش و یا کاهش داشته باشد. از اساتید فرهیخته تقاضامندم که این نقایص را بر من گوشزد کنند، تا هم منی بر من نهاده و هم خدمتی به ادب فارسی کرده باشند.

مقدمه

شعر نیز همچون هنرهای دیگر برای بیان مقاصد خود از تکنیک‌هایی بهره گرفته است که ادبای سلف آن‌ها را به سه طبقه معانی، بیان و بدیع تقسیم کرده اند. و تلمیح یکی از شگردهایی است که در دایره ی بدیع گنجانده شده است.

تلمیح از جمله فنونی است که شاعر برای بیان مقصود و زیباسازی کلام خود از آن بهره می‌گیرد، که علاوه بر ایجاز و اختصار از گسترش معنایی بالایی برخوردار است.

امروزه معنای تلمیح گسترش یافته است و اشاره به فرهنگ عامه، آداب و رسوم و عقاید و علوم قدیم نیز جزء تلمیح محسوب می‌گردد، که لازمه‌ی ادراک معانی ابیات تلمیح‌دار آگاهی کامل از این علوم و آداب و رسوم و عقاید است. این شناخت و آگاهی علاوه درک صحیح اثر و دیدگاه شاعر، شیرینی کلام او را در نظر خواننده اثر دو چندان می‌کند.

اگر تلمیحات را طبق تقسیم بندی دکتر شمیسا (شمیسا، 1366: 8) در دو مقوله، تلمیحات اسلامی و تلمیحات ایرانی مورد بررسی قرار دهیم باید گفت در شعر فارسی هر دو گونه، تلمیح به کار رفته است و شواهد بسیاری در این دو زمینه می‌توان یافت.

شاعر با استفاده از تلمیح، قدرت و تأثیر کلام خود را بالا می‌برد، زیرا کلام مستقیم و بی‌واسطه خود را به وسیله تلمیح، کنایی و غیرمستقیم می‌سازد، در نتیجه تأثیر بیشتری روی مخاطب خود می‌گذارد. شاعر با استفاده از تلمیح تمام مقصود یک داستان را بطور خلاصه بیان می‌کند. زیرا در حقیقت استفاده از یک یا چند واژه برای کسی که اصل داستان را می‌شناسد بیانگر معنای حقیقی آن داستان است. تلمیح معمولاً از دو جزء اصلی و فرعی تشکیل می‌شود. اگر ارتباط بین اجزاء تلمیح قوی باشد و شاعر در شعر خود از اجزاء اصلی آن استفاده کرده باشد، فهم و درک شعر برای خواننده آسان‌تر است، اما اگر از اجزاء غیر معروف تر آن استفاده کند، درک آن نیز برای خواننده صعب‌تر خواهد بود.

تلمیح در دست شاعران به گونه‌های مختلفی کاربرد داشته است. عده‌ای برای مدح، و یا برای بیان احساس و بعضی برای بیان آموزه‌های عرفانی و اخلاقی از آن استفاده کرده اند.

عده‌ای از شاعران در استفاده از تلمیحات از توانمندی بیشتری برخوردار هستند و تنها به چیدن بعضی از اجزاء تلمیح در کنار هم بسنده نکرده‌اند و بین آن‌ها رابطه‌ی هنری و معنایی نیز برقرار کرده‌اند. ناصر خسرو از جمله شاعرانی است که با توانمندی خود از تلمیحات به طور گسترده‌ای استفاده کرده است. که پژوهش حاضر با بهره گیری از روش تحلیل محتوا به بررسی تلمیحات و اشارات در

پنجاه قصیده‌ی این شاعر گرانقدر در حدّ بضاعت سواد پژوهشگر می پردازد. هر چند کشف و بیان تلمیحات به کار برده شده در اشعار شاعری حکیم و آشنا با علوم زمان کاری بس دشوار و طاقت فرساست لیکن سعی بر آن بوده تشخیص این تلمیحات به درستی و در خور شأن این نامور مرد ایران زمین باشد.

زندگی نامه

« در تاریخ شعر کهن فارسی که عموماً از قرن سوم هجری شروع می‌شود، کمتر شاعری به آزادگی و علو طبع ناصر خسرو قبادیانی پیدا می‌شود. وی به سال 394 ه. ق در قبادیان مرو از نواحی بلخ دیده به جهان گشود و در سال 481 ه. ق در دره‌ی یمگان از نواحی بدخشان افغانستان کنونی دیده از جهان فرو بست. به هنگام تولد وی در خراسان غزنویان حکومت می‌کردند، سلسله‌ی غزنویان به سال 351 ه. ق در شهر غزنه به دست آلتگین حاجب غلام دربار سامانیان با براندازی حکومت سامانی، به حکومت رسیدند. اینان از نژاد ترک بودند و در نزد سامانیان به سپاهیگری و امور نظامی اشتغال داشتند.» (اسلامی، 1355: 33) قاهره دارالخلافة خلفای فاطمی مصر تنها جای قابل اعتماد برای اوست. فاطمیان به نام پیروی از اهل بیت و حضرت علی (علیه السلام) در آن سامان حاکمیت داشتند و با عباسیان و سلاطین سلجوقی هم سخت مخالف بودند. ناصر خسرو فریاد خواه به نزد ایشان می‌شود و بنا به گفته‌ی خودش به دست المویّد فی‌الدین شیرازی به مذهب فاطمی در می‌آید. وی پس از مراجعت به خراسان با عنوان «حجّت» شروع به تبلیغ مذهب فاطمیان می‌کند و در راه رساندن پیام خود که عموماً در قالب شعر و قصایدی غرّاست، همواره داعی به تقوا، عدالت، آزادگی، زهد، علم، خرد، حکمت و دانش دینی، طاعت یزدان و پیروی از خلفای فاطمی مصر است. در مقابل مردمان را از جهالت، بندگی حکام جور، تمّلق و تزویر، زهد فروشی، دین فروشی، دل‌بستگی به زخارف دنیوی و باز می‌دارد.

ناصر خسرو که خود را شیعه ای علوی با ایمانی راسخ و درست می‌داند، علی وار بر بی‌عدالتی حکام سلجوقی و خلفای عباسی برمی‌شورد و در این راه و انجام دادن این وظیفه است که مغبوض دشمنی، عام و خاص خراسان گشته، سرانجام مجبور به ترک وطن و تبعید به دره‌ی یمگان می‌شود.

من شیعت مرد ذوالفقارم

تو چاکر مرد با دوالی

(28: 198)

اشعار و قصاید ناصر خسرو ظاهراً حاصل 23 سال تبعید و زندگی در یمگان است، تبعیدی که تا پایان عمر وی یعنی 481 ه. ق به طول می‌انجامد. وی در سراسر دیوان هیچ گاه رسالت تبلیغ و هدایتگری را فراموش نمی‌کند. شمشیر کلام او همواره ذوالفقار است، با لبه‌ی بت می‌شکند و به افشای مظالم حکام ستمگر، انحراف عالم نمایان درباری و فساد شاعران شعر فروش که به گمراهی مردم می‌پردازد و با لبه‌ی دیگر به ستایش باری تعالی و نعت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیه السلام) گرفته تا

ستایش ذوات ارزشمندی چون خرد، دانش، تقوا، آزادگی، و.....می پردازد. تلمیحات و اشارات او به هیچ روی چون شاعران شعر فروش خراسان نبوده و پادشاهان و حکام را نمی ستاید. شعر او سراسر حکمت و دانش، پرهیز و آزادگی است. با این اوصاف ناصرخسرو در میان شاعران پارسی گوی اگر نتوان گفت بی نظیر، کم نظیر است. ناصرخسرو اساساً «شعر» را مرادف و مساوی «مدح دینی» و «پند» و «حکمت» و «زهد» می داند و اگر شعرش جز این معانی باشد، از نظر وی شعر نخواهد بود، حتی وقتی خود را شاعر می داند که شعرش مدح «آل عبا» باشد، در غیر این صورت حتی از اطلاق عنوان «شاعر» به خود عار دارد. ناصرخسرو به خاطر دارا بودن این نگرش نسبت به شعر و شاعری، در سراسر دیوان به سخن خود تفاخر می کند.

شعر حجت بایدت خواندن همی گرت آرزوست نظم خوب و وزن عذب و لفظ خوش و معنوی
(164:38)

ناصرخسرو همانند هر مسلمان مؤمن به رسول اکرم (ص) در اطاعت و دوستی او، به صحابه آن حضرت نیز ایمان و اعتقاد دارد. ستایش حضرت ختمی مرتبت (ص) به ویژه در قالب قصیده با ناصرخسرو شروع نشده است. اما دو نکته وی را از دیگر شاعران در این عرصه متمایز می کند: الف- از نظر فنی و شکل، در قالب قصیده با آوردن همین مضمون تحولی ایجاد می کند. بدین معنی که روال قصیده فارسی که با تغزلی در وصف طبیعت، وصل و هجران، وصف معشوق زمینی... شروع می شد و بابت تخلص شاعر به مدح ممدوحین غیر دینی گریز می زد، از زمان ناصرخسرو به طور کلی تغزل به موعظه و پند و بیت تخلص به مدح شخصیت های دینی و در رأس آن مدح سید کائنات (ص) و فرزندان آن حضرت شد.

ب- وجه اختلاف ناصرخسرو با منقبت گوینان قبلی به ویژه کسانی مروزی کمیت و شمار فراوان ابیات در این مضمون است که تا آن هنگام بی سابقه است.

حضرت فاطمه (س) و همسرش حضرت علی (ع) شخصیت های اسلامی دیگری است که ناصرخسرو با تمام عشق و اعتقاد ستوده است. ناصرخسرو بر مذهب شیعه ی اسماعیلی است از این روی در دیوان خود امامان و پیشوایان دینی را ستوده است، اما با آن که اسماعیلی است، در همه جای دیوان وی، نامی از اسماعیل به عنوان فرزند امام صادق (ع) یا به عنوان رهبر و امام نیامده است.

ناصرخسرو با توجه به محیط تربیتی و اجتماعی آن روز، مسلمانی است اهل علم و دانش، از دانش های زمان اگر نگوییم اطلاعاتی عالی دارد، دست کم با اطلاع است. از مضامین مهم و پرجای که

در دیوان ناصر خسرو به کرات به چشم می خورد و بارها از سوی وی ستایش می شود «عقل» و «صاحبان آن» است.

تعریف اصطلاحات

اشاره

« به رمز نمودن، با اشاره ی دست و چشم و ابرو مطلبی را القاء کردن. با انگشت و چشم ایماء

کردن.»

(دهخدا، 1377: اشاره)

« رمز و ایماء که اغلب به سر و دست و چشم و ابروست در ادبیات عرفانی و در نزد اهل الله

عبارت از خیر دادن از مراد، بدون عبارت و الفاظ است. »

(سجادی، 1386: 104)

اقتباس

« در اصل لغت به معنی پرتو نور و فروغ گرفتن است، چنانکه پاره ای از آتش را بگیرند و با آن

آتش دیگر بر افروزند، یا از شعله ی چراغی، چراغ دیگر را روشن کنند، و به این مناسبت، فرا گرفتن علم

و هنر، و ادب آموختن یکی از دیگری را « اقتباس » می گویند.»

« و در اصطلاح اهل ادب، آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند

و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال. »

(همایی، 1370: 383)

تضمین

« تضمین آن است که در ضمن اشعار خود یک مصراع یا یک بیت را بر سبیل تمثیل و عاریت از

شعرا دیگر بیاورند و با ذکر نام آن شاعر یا شهرتی که مستغنی از ذکر نام باشد به طوری که بوی سرقت

و انتحال ندهد. »

(همایی، 1370: 217)

تلمیح

« تلمیح به تقدیم لام بر میم (از ریشه ی لمح) در لغت به معنی دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصیده یا شعر یا مثل سائر است، به شرطی که آن اشاره - چنان که از معنای اشاره بر می آید - تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در بر نگیرد.»

(شمیسا، 1378: 9)

« تلمیح به گوشه ی چشم اشاره کردن، و در اصطلاح بدیع آن است که گویند در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.»

(همایی، 1370: 328)

حل

« در اصل به معنی گشودن و در اصطلاح عکس عقد است، یعنی سخن منظوم را تبدیل به نثر کردن، آن نیز اگر به وجه اقتباس یا برای ترجمه و شرح و تفسیر باشد، بسیار مستحسن و در جزو صنایع و محاسن بدیعی است، وگرنه آن را نوعی از دستبردهای ادبی می توان شمرد، که البته زشتی و رسوایی اغاره و انتحال را ندارد»

(همایی، 1370: 372)

عقد

« به معنی بستن و در اصطلاح اهل ادب آن است که سخن نثری را که از دیگری است، به رشته ی نظم در آورند، و این عمل در صورتی جزو سرقت محسوب می شود که شاعر در قصد ربودن فکر و لفظ و معنی نویسنده ی قبل باشد؛ اما اگر قصد اقتباس یا هنرنمایی در فن شعر و شاعری داشته، و برای این امر قرینه ای در کار باشد، نه تنها داخل سرقت نیست، که آن را جزء هنرمندی ها و قدرت نمایی های طبع شاعر، و داخل در محاسن کلام باید.»

(همایی، 1370: 371)

فصل

دوم